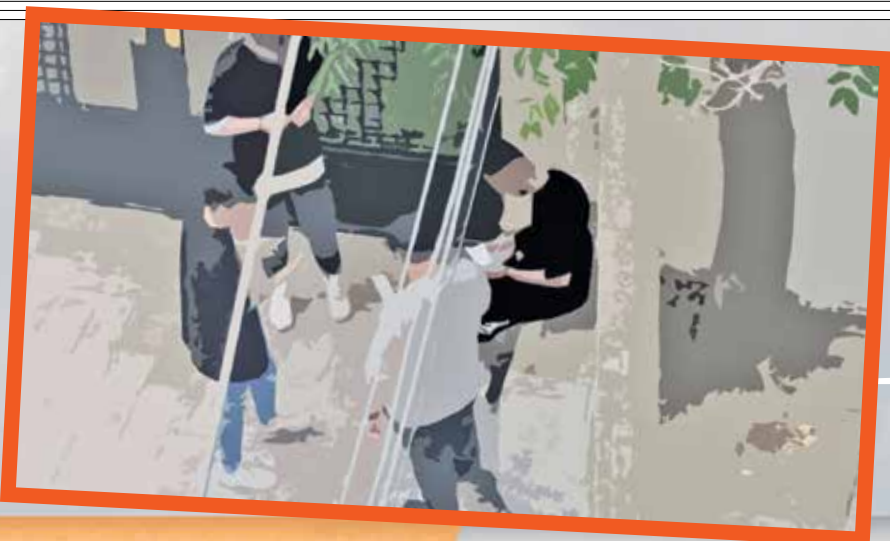


### قمار، دلالی، گل

# مثلث ویرانگر



دیگر بالا شهر و پایین شهر ندارد اما کیفیت مواد بالا شهری ها با پایین شهری ها فرق دارد. محل مصرف و آنجا که جان می بازند نیز متفاوت است.

زیاد دور نشده ایم از روزگاری که به هر معنادی برمی خوردید علت اعتیادش را فقر، بیکاری و مشکلات خانوادگی و ... می دانست. حالا دنیای اعتیاد هم مدرن شده است؛ از مصرف مواد مخدر گران قیمت داخل خودروی پورشه آن هم وسط خیابان تا گل بازهای خیابانی که وقتی سن و سالشان را می بینی، هزاران افسوس به جانت می نشیند؛ معنادانی که برخلاف چهره متصور در ذهن ها، نه ژولیده اند، نه تکیده و کثیف بلکه معنادانی هستند با لباس های شیک و حتی موبایل و ساعت های لاکچری!

به گزارش خبرنگار «ایران»، مشاهده نوجوانان و جوانان معتاد به گل و شیشه در تهران دیگر مشاهده یک تصویر نایاب نیست. مثلاً ماه ها است که هر بعد از ظهر، بوی گل در فضای کوچه محل کار ما می پیچد. آنقدر بوی تندی دارد که

تصور نمی کنی چند نفر در فاصله چهار طبقه فاصله از زمین تا محل نشستن تو در محل کار در حال مصرف مواد مخدر هستند. صحبت از چند جوانی است که هر روز، به محل قرار مواد کشیدن خود می آیند و مصرف می کنند و دقایقی کب می زنند و می روند...

دوره می روزانه ای که تعداد آنها از چهار نفر کمتر نمی شود اما زیاد تر شده اند. بین ۱۶ تا ۲۲ سال سن دارند. در یکی از روزهای بهاری ۱۴۰۲ نگران از وضعیت مصرف مواد مخدر آنها به سمتشان رفتیم. قصدمان این بود که با ترفندی از ادامه این تصمیم منصرفشان کنیم اما وقتی به گفت و گو با آنها نشستیم، فاجعه بزرگ تر شد.

یکی از آنها در پاسخ به اینکه چرا به جای اینکه مواد مخدر مصرف کنند، به سراغ داشتن شغل یا ورزش نمی روند، می گوید: «کار هم می کنیم. ورزش هم می کنیم. درس هم می خوانیم؛ مگر از زندگی چه می خواهیم؟»

حال تو که متخصص برخورد با جوانان گرفتار شده با مواد مخدر نیستی، دیگر نمی دانی چگونه و با چه روشی باید آنها را وضعیتی که

خودشان را گرفتار کرده اند، دور کنی. یکی دیگر می گوید: «ما قمار می کنیم؛ سر بیلبارد، فیفا و ... در بنگاه معامله املاک هم کار می کنیم.» آن یکی میان حرفش می پرد و می گوید: «من ماهی ۹ میلیون از کار در بنگاه معامله املاک و ۱۲ میلیون از قمار درآمد دارم. خیلی کم هم پیش می آید بایزم. هم بدنسازی می کنم و هم دانشگاه می روم؛ ولی می دانم درس خواندن فایده ای ندارد. درس بخوانم که کارمند یک شرکت شوم.»

پسری که از همه ساکت تر بود، در پاسخ به اینکه آیا استعمال مخدر گل را از دوستانش یاد گرفته است یا خیر، می گوید: «من ۱۵ سالگی سیگار کشیدن را شروع کردم. یک سال بعد هم مصرف گل را شروع کردم. فکر می کنم بقیه دوستانم هم به فاصله یک سال بعد از سیگاری شدن، شروع به گل کشیدن کرده اند. اصلاً همه چیز از سیگار کشیدن شروع شد.»

وقتی نا امید از گفت و گو مؤثر برای دور کردنشان از مواد مخدر به تحریریه بازگشتیم و ماجرا را برای دیگران تعریف کردیم، آنچه

همکاران گفتند، ماجرا را تلخ تر کرد. یکی از اعتیاد پسرها و دخترهای فامیل شان به مخدر گل و دیگری از تصاویر مشابهی که هر شب در کوچه محل زندگی شان از جوانان محل در حال مصرف مخدر می بیند، گفت: آن یکی راز خانوادگی اش را فاش کرد و از اعتیاد برادرش و نامزدش گفت و ... اعتیاد به مخدر گل به طبقه اجتماعی خاصی هم مختص نمی شود. میزان سواد هم ندارد. به وضعیت مالی هم بر نمی گردد. از پولدار و بی سواد و دانشجو و دکتر و مهندس و طبقه متوسط و پولدار و کم توان مالی همه درگیر شده اند و آمار گرفتارها واقعاً بالاست.

سوال اینجاست؛ با چنین جوانانی که هم به مشاغل کاذب روی می آورند و هم به مواد مخدر اعتیاد دارند، از طرفی هم درس می خوانند و هم درآمدی دارند، چگونه باید مواجهه شد؟ خانواده ها، مدارس، دانشگاه ها، جامعه، دولت، مجلس و ... چگونه و از چه راهی می توانند باب گفت و گو را با این جوانان باز کنند؟ جوانانی که می دانند اقتصاد بسیار مهم است؛ ولی از

راه های کاذب به وضعیت اقتصادی خود سامان می بخشند.

حسین حاتم، دبیر اول کمیسیون اجتماعی مجلس در این خصوص گفت: به نظر من شیوه های نوپدید اعتیاد، برای جوانان خیلی تبیین نشده است. اولین کاری که می توان انجام داد، آگاه سازی جوانان نسبت به مضرات این مواد مخدری است که صنعتی هستند و در دراز مدت عوارض سوئی برای مصرف کنندگان خواهند داشت.

وی تأکید کرد: هم در بحث پیشگیری و هم آگاه سازی، باید با جوانان در مدارس و دانشگاه ها تفاهم کرد، در عین حال که از شیوع این مواد در جامعه تحت عناوین مختلف از جمله قرص های شادی آور، جلوگیری شود.

آثار این نوع مواد، مثل مخدرهای دیگر از جمله شیشه اشکار نیست که جوانان اثر سوء آن را در زندگی مشاهده کنند. با پیشگیری و آگاه سازی به شیوه های نوین و با استفاده از بستر فضای مجازی که جوانان بیشتر به آن دسترسی دارند، می توان کارهای مثبتی انجام داد.

این نماینده مجلس گفت: به هر حال سطحی از دسترسی به پلتفرم های خارجی و داخلی وجود دارد و به هر نحوی مردم از فضای مجازی دور نیستند.

او تأکید کرد: الان، پلتفرم های داخلی موقعیت خوبی پیدا کرده اند و می توان از ظرفیت هایش استفاده کرد.

وی در پاسخ به اینکه عملکرد بهزیستی، وزارت آموزش و پرورش و پلیس مبارزه با مواد مخدر را در این مسیر آگاه سازی چگونه ارزیابی می کند، گفت: آنها عملکرد فعالانه و پیشگیرانه ای که باید داشته باشند، ندارند و باید بیشتر تقویت شوند.

این نماینده مجلس در پایان در پاسخ به اینکه با چه شیوه ای باید با این جوانان ارتباط برقرار کرد تا فرایند آگاه سازی نتیجه بخش تر باشد، گفت: وقتی می گویم بستر فضای مجازی باشد، به این دلیل است که مخاطبانش نوجوانان و جوانان هستند و زبان باید هنرمندانه و جذاب باشد. به طوری که شأن مخاطب نیز در آن رعایت شود.

## دستگیری ۲۳ دختر و پسر در پارتی شبانه کهک قم

بسیج سپاه قم، ۲۳ نفر را در پارتی مختلط که در شهر کهک برپا شده بود دستگیر کردند. پس از دریافت گزارشی مبنی بر برپایی یک پارتی مختلط به معاونت عملیات سپاه استان قم، و پس از هماهنگی با ارگان قضایی و انتظامی و پلیس امنیت اخلاقی، تیم ویژه ضابطین قضایی بسیج سپاه قم در محل مورد نظر حاضر و ۲۳ نفر دستگیر شدند. همچنین در بازرسی از محل پارتی ۱۳ بطری مشروبات الکلی کشف و تعداد ۱۰ خودرو نیز توقیف شد.



## این باند مخوف در پارک های تهران جولان می دادند

# پایان وحشت کوچولوها از ۳ زورگیر خشن

۳ زورگیر خشن که به شکار پسران کم سن و سال می رفتند بازداشت شدند و این در حالی است که خیلی از طعمه هایشان از وحشت دچار مشکلات روحی و روانی شده اند.

به گزارش «ایران»، آنها ۳ نفر بودند. ۳ زورگیر خشن که فقط سراغ افراد کم سن و سال می رفتند. کم کم آوازه خفت گیری های وحشت آور آنها در شکایت های سرپالی که پشت سر هم ثبت می شد پیچید. به این ترتیب رسیدگی به موضوع در دستور کار تیمی از پلیس آگاهی تهران قرار گرفت.

با اطلاعاتی که شاکیان در اختیار مأموران قرار دادند، اعضای این باند شناسایی و دستگیر شدند. سردسته این باند در گفت و گو با خبرنگار ما در حالی که تا به حال بیش از ۱۵ شاکی در پرونده دارد، جزئیات زورگیری خود را این طور شرح داد: «مدتی قبل با دو نفر از دوستانم تصمیم گرفتیم گوشه قایم کنیم. برای همین در پارک های خلوت غرب تهران سراغ افراد کم سن و سال می رفتیم و با تهدید چاقو گوشه آنها را می گرفتیم. در چند مورد در حالی که طعمه خود را از قیل شناسایی کرده و متوجه شده بودیم که ماشین دارد، سوئیچ خودرو را هم از آنها می گرفتیم.»

به خرید گوشه های سرقتی از سارقان کرده است. با توجه به تأکید سردار محمدیان رئیس پلیس تهران، در مورد برخورد قاطع با مالخران و خریداران اموال مسروقه، با متهم این پرونده نیز برخورد جدی صورت خواهد گرفت.

### آنژیو به خاطر یک گوشه

شاید یک گوشه قایم ساده به نظر برسد و وقتی بشنویم که مأموران پلیس آگاهی در کمتر از ۲۴ ساعت از آخرین شکایت موفق به شناسایی و دستگیری اعضای باند شده اند؛ نفس عمیقی بکشیم و بگوییم به خیر گذشت. لابد بعد هم با خودمان فکر می کنیم که موضوع مهمی نبود! اما همین زورگیری ها با چاقو در مواردی حتی منجر به وقوع قتل شده و در مواردی که به نظر ساده می آید و تصور می کنیم که به خیر گذشته است، گاهی آثار روانی مخربی در مالباخته به جای می گذارد که سال های سال همراه او خواهد بود. یکی از قربانیان این باند تبهکار جوان دانشگاهی است که صبح روز گذشته پدرش با گریه و التماس از سرهنگ داوود گودرزی رئیس پلیس آگاهی تهران خواست که در مجازات زورگیران قاطع باشند. این مرد گفت: «پسر من سال اول دانشگاه است، روز حادثه با دوستانش برای قدم زدن به یکی از پارک های غرب تهران رفته و خودروی خود را نزدیکی همان بوستان پارک کرده بود. ناگهان این سارقان به او حمله کرده و با تهدید چاقو و قمه از او خواسته بودند که گوشه، پول، ساعت و سوئیچ خودرو را به آنها بدهد. پسر من به حدی

